

این کتاب آخرین اثر قلمی استاد مطهری و شامل ۵ فصل است.

فصل اول - جهان بینی:

نوع برداشت و طرز تفکری که یک انسان درباره جهان وهستی دارد، زیرساز و تکیه گاه فکری او به شمار می رود. این زیرساز و تکیه گاه اصطلاحاً جهان بینی نامیده می شود.

صرف دیدن جهان (که حیوانات نیز از آن بهره مند هستند) جهان احساسی نامیده می شود اما جهان بینی به معنی شناخت جهان است. شناخت از مختصات انسان است و به نیروی تفکر و تعقل او بستگی دارد. انسان علاوه بر احساس جهان، جهان را تفسیر می کند.

جهان بینی سه گونه است: علمی، فلسفی، مذهبی

جهان بینی علمی: علم مبتنی بر دو چیز است: فرضیه و آزمون. یک دانشمند با آزمایش علمی، علت چیزی و یا اثر و معلول چیزی را کشف می کند. علم در عین این که دقیق و مشخص و جزئی است و درباره هر امر جزئی قادر است هزاران مسئله بیاموزد، دایره اش محدود است و در آخر به نمی دانم می رسد.

از نظر علم، جهان کهنه کتابی است که اول و آخر آن افتاده است، جهان بینی علمی جزء شناسی است نه کل شناسی. ارزش جهان بینی علمی، ارزش عملی و فنی است و نه نظری.

جهان بینی فلسفی: این جهان بینی جهت عمل و راه انتخاب زندگی انسان را مشخص می کند و موضع انسان را درباره جهان معین می کند. اما این جهان بینی هم مشکلی دارد چون در مورد اموری که عقل احاطه ندارد، نمی تواند نظری بدهد.

جهان بینی مذهبی: جهان بینی مذهبی اسلام، در متن خود رنگ فلسفی و استدلالی به خود گرفته، بر مسائلی که مطرح شده است، با استفاده از وحی و تکیه بر عقل، استدلال و اقامه برهان شده است. جهان بینی اسلامی یک جهان بینی عقلانی و فلسفی است. مبنای جهان بینی مذهبی توحید است.

جهان بینی توحیدی: تنها جهان بینی است که آدمی را از سقوط در دره هولناک پوچی گرایي نجات می دهد همچنان که در آن تعهد و مسئولیت افراد در برابر یکدیگر مفهوم و معنی پیدا می کند.

از نظر ما، جهان یک آفریده است که با عنایت و مشیت الهی نگهداری می شود. اراده و مشیت خداوند به صورت سنت یعنی قانون در جهان جریان دارد و سنت های الهی تغییر نمی کنند.

فصل دوم – جهانی واقع گرا:

انسان موجودی واقع گرا است. واقعیت هایی که انسان از راه حواس خود درک می کند اموری هستند که محدودیت، تغییر، وابستگی، نیازمندی و نسبیّت از آنها جدا ناشدنی است. موجودات جهان همه محدود و محسوس و متغیر و وابسته و نیازمندند. قرآن کریم موجودات محسوس و مشهود را آیات (نشانه ها) می نامد. یعنی هر موجودی نشانه ای از هستی نامحدود و علم و قدرت حیات و مشیت الهی است.

خداوند به همه صفات کمال متصف است. شناخت خدای یگانه به عنوان کامل ترین ذات با کامل ترین صفات، منزّه از هر گونه نقص و کاستی، عکس العملی در ما ایجاد می کند که از آن به پرستش تعبیر می شود.

فصل سوم – مراتب و درجات توحید:

توحید ذاتی: یعنی شناختن ذات حق به وحدت و یگانگی. همه چیز به خداوند نیازمند است.

توحید صفاتی: یعنی درک و شناسایی ذات حق به یگانگی عینی با صفات و یگانگی صفات با یکدیگر.

توحید افعالی: یعنی درک و شناختن این که جهان با همه نظامات و سنن و علل و معلولات و اسباب و مسببات، فعل خدا و کار خدا و ناشی از اراده اوست.

توحید در عبادت: یعنی فقط خدا را پرستیدن، برای خدا قیام کردن، برای خدا زیستن و خدمت کردن.

انسان در نظام توحیدی مانند یک کشتی مجهز به دستگاههای راهنمایی است و در یک حرکت منظم و هماهنگ تحت فرمان مقامی خیر خواه (خداوند) در حرکت است.

فصل چهارم – مراتب و درجات شرک:

تاریخ نشان می دهد که در برابر توحیدی که پیامبران الهی مردم را به آن دعوت می کرده اند انواع شرکها نیز وجود داشته است:

شرک ذاتی: اعتقاد به چند مبدئی (چند خدایی) شرک در ذات است. اسلام مظاهر مختلف شرک ذاتی را طرد می

کند.

شرک در خالقیت: برخی از مخلوقات خدا را با او در خالقیت شریک شمردن. مثلاً بگوئیم شرور را خدا نیافریده و آفریده شیطان اند.

شرک صفاتی: مربوط به متحد بودن یا جدا بودن صفات خداوند از ذات مقدس اوست.

شرک در پرستش: برخی چوب و سنگ یا فلز و یا حیوان یا ستاره را می پرستیدند. تمام انواع شرک در تعالیم آسمانی انبیاء الهی مخصوصاً جهان بینی اسلامی نفی شده است.

مرز توحید و شرک در توحید نظری و عملی: از اوایی (انا لله) و به سوی اوایی (انا الیه راجعون)

خدا شناسی بر روی تمام شخصیت و روحیه و اخلاق بشر اثر می گذارد و این تاثیر به درجه ایمان بستگی دارد و همه این درجات، درجات صدق و اخلاص است. علی (ع) می فرماید: هیچ چیزی را ندیدم مگر آن که قبل از او و با او خدا را دیدم. بدیهی است که پاک و خالص کردن عمل، چیزی است و پاک و خالص بودن به تمام وجود چیز دیگر.

جهان بینی توحیدی اسلامی جهان را مجموعه ای از غیب (نهان یا نادیدنی) و شهادت (عالم محسوس اطراف ما) معرفی می کند و ایمان به غیب رکن ایمان است.

فصل پنجم - حکمت بالغه و عدل الهی:

حکمت بالغه: یعنی هستی نظامی حکیمانه است و نه تنها علم و شعور و اراده و مشیت در کار جهان دخیل است، بلکه نظام موجود نظام احسن و اصلح است. جهان موجود کامل ترین جهان ممکن است.

ربوبیت الهی به معنی این است که کار او رسانیدن موجودات است به کمالات و غایات وجودشان.

عدل الهی: اصل عدل یکی از اصول دین است و تقسیم می شود به عدل تکوینی و عدل تشریحی.

عدل الهی یعنی اعتقاد به این که خداوند، چه در نظام تکوین و چه در نظام تشریح، به حق و عدل رفتار می کند اعتقاد به اصل عدل یعنی اعتقاد به اصل آزادی انسان و مسئولیت انسان و سازندگی انسان و این انسان آزاد، مختار و مسئول است، مسئول نابرابریها در جامعه بشری.